
Perception of nature in Gajar-era houses in Tabriz

Laleh Rashad*

PhD in Islamic architecture, University lecturer and Research, Tabriz, Iran.

(Received 2 Jun 2021, Accepted 7 Sep 2021)

Perception of space is a complex issue. Besides, it is the way to identify the universe. Human creates the space and space affects human. There is a reciprocal relationship between the two. A relationship that leads to the experience and interpretation of the environment and leads to the interaction of man and space. If the right interaction is formed between man and space, they will be unified. The presence of nature in space makes human's relationship with environment easier. The necessity of this issue is because the connection with nature is an inherent need in human beings and architecture based on nature tries to bring the building into a special interaction with some of the inherent dependencies of human beings. Therefore, the objective of the current study is to explore how humankind perceives the presence of nature in architecture. The case study of the research herein is the traditional houses of the Gajar-era located in Tabriz. The methodology of the research follows the perspective of Islamic scholars on the authentic perception of the environment. In theoretical studies, a model has been given for the perception and presence of nature in traditional houses which has been corroborated in subsequent by interviewing people who have lived in the so-called houses. Analyses and discussions of the obtained data are based on structured equations and are content-based. Theoretical findings showed that mankind, in consistency with its emotional and imaginative perception and ignoring personal tendencies and motives, can establish an epistemological connection based on sensible reasoning to achieve a practical result. Finally, by instilling the perceptions into the heart, incentives for action will emerge. On the other

hand, it became clear that nature is reflected in the architecture of Qajar houses based on approaches, well-coordinated relationship between the ecosystem, integration with nature, similarity with nature, and improvement of nature. Assessment of the foregoing issue in traditional houses of Tabriz, through the mentioned approaches, revealed that, essence of human with experiencing advantages and disadvantages based on Material and spiritual sides of nature and semi-natural elements, in derivative perceptions level, desirably percept nature and establishes interactive and integrated connections with nature. At this stage, direct connection with nature and then similarity to nature plays an important role in the material, semantic understanding and ultimately the optimal interpretation of nature in humans. But what leads the way of human perception in space, from desire and will to thought, is to add general concepts to the approaches obtained from conventional that promote and complete nature in order to create a favorable space to meet human evolution needs and consequently the evolution of nature approaches in architecture in the structure of thought and human considerations. Finally, Presence in such an atmosphere has been able to perfect human perception, so that human understands the true meaning of nature. Therefore, in the encounter of understanding and emotion, human values and influences nature by expropriating it, and over time, it leads to the continuous production and reproduction of the the place of human evolution.

Keyword: Nature, architecture, mankind, perception, Islamic perspective.

*Corresponding author. E-mail: laleh.reshad@yahoo.com



ادراک طبیعت در خانه‌های دوره قاجار در شهر تبریز

لاله رشاد *

دکترای معماری اسلامی، مدرس دانشگاه، تبریز، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴)

چکیده

حضور طبیعت در فضا، ادراک و تعامل انسان با محیط را تسهیل می‌سازد. هدف پژوهش حاضر نیز کشف نحوه ادراک انسان از طبیعت در معماری است. نمونه مورد مطالعه، خانه‌های سنتی تبریز در دوره قاجار است. رویکرد پژوهش، نظرات اندیشمندان اسلامی در خصوص ادراک محیط اعم از اعتباری محیط است. در مطالعات نظری در خصوص ادراک و حضور طبیعت در خانه‌های سنتی، مدلی تبیین شده است، سپس مدل، از طریق پیمایش با افرادی که تجربه زیستن در خانه‌های سنتی را داشته‌اند، تدقیق شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل معادلات ساختاری و تحلیل محتوا است. یافته‌ها در بخش نظری آشکار کرد که انسان مطابق سطوح ادراکی خویش در مراتب حسی و وهمی مفاهیمی را اعتبار می‌کند که می‌تواند با ارتباط معرفتی با حقایق در مرتبه ادراک عقلی، به نتایجی واقع‌بینانه دست یابد، نهایتاً با گذر داده‌های ادراکی از کانون قلب، انگیزش عمل فراهم می‌شود. سنجش این مسئله در خانه‌های سنتی تبریز در رویکردهای هماهنگی با اکوسیستم، پیوستگی با طبیعت، تشابه با طبیعت و ارتقاء طبیعت آشکار کرد که انسان در سایه تجربه نفس بر سود و زیان مقارن با مادیت و معنای عناصر طبیعی و شبه طبیعی در مرتبه ادراک اعتباری به ادراک مطلوبی از طبیعت نائل شده است و ارتباطی تعاملی و تلفیقی با طبیعت برقرار می‌سازد. سپس در مواجهه با رویکردهای تکمیلی منطبق بر امور معقول و اهداف غایی، کمال ادراکی انسان در محیط رقم می‌خورد، ترکیب فهم و عاطفه در گذر زمان با تأثیر بر محیط به تولید و بازتولید بستر کمالی انسان می‌انجامد.

واژگان کلیدی

طبیعت، معماری، انسان، ادراک، اندیشه اسلامی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری خانم لاله رشاد با عنوان «نگرش سامانه‌ای به حضور طبیعت در معماری (مورد پژوهی: خانه‌های سنتی دوره قاجار در تبریز)» می‌باشد که به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

* نویسنده مسئول مکاتبات: laleh.reshad@yahoo.com

قرار می‌دهد و در دو بخش حقیقی و اعتباری به شرح و بسط ادراک و عمل انسان در محیط می‌پردازد. نخست در اندیشه اسلامی، انسان می‌تواند امور دنیوی خویش را بر پایه ادراکات اعتباری به انجام رساند. این ادراکات واسطه شعور غریزی و عمل انسان در عالم هستند که در راستای تمایلات قوای انسان، در جهت اهمیت و ضرورت بقا بروز می‌دهند (Bani Asadi 2016). علامه طباطبایی در خصوص ادراکات اعتباری به شرح منسجمی پرداخته و معتقد است، اعتباریات منشأ بالعرض فعل انسان، در مقابل حقیقت که منشأ بذات آثار انسان است قرار دارد و در ظرف عمل محقق می‌شود به عبارتی اعتباریات عبارت است از " اعطای حد حقیقی چیزی یا حکم چیزی به شیء دیگری که این حد را ندارد". ادراکات حقیقی نیز می‌تواند پایه تبیین، تصدیق، استنتاج اعتباریات قرار گیرد (Ismaeli 2014). به عبارتی اعتباریات همان حکمت عملی و ادراکات حقیقی حکمت نظری هستند. بنابراین اعتباریات از آن جهت که در ذهن انسانی حضور دارند متغیر هستند، ولی از جهت پرسش از تابعیت‌ها و علت وجودی اعتباریات، مستلزم رابطه معرفتی این قوا با حقیقت و قوای عقلی هستند (Hashemi 2008). بنابراین، صحبت از انسان و نیازهایش خصوصاً در مرتبه ادراک محیط، ضرورت پرداختن به حدود اعتباریات و حقایق را در خصوص مسئله پژوهش ضروری می‌شمارد.

با چنین توضیحاتی این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که افرادی که تجربه زیستن در خانه‌های سنتی دوره قاجار را در شهر تبریز داشته‌اند، طبیعت را چگونه در فضا درک کرده‌اند؟

از طرفی در راستای دستیابی به اطلاعات جامع‌تری در خصوص مسئله، راهبرد منتخب پژوهشگر، پس‌کاوی است، که سعی دارد مدل فرضی حاصله از مطالعات تجربی را در حوزه‌ای واقعی بسنجد. به‌طوری‌که در گام اول با ارجاعات ویژه به مراتب ادراک، اعم از اعتباری و حقیقی، در اندیشه

ادراک فضا پدیده پیچیده‌ای است و مسیر دستیابی به پدیده‌های عالم و حقیقت آن‌ها است (Aslanian, Zabihi and Rahbarimanesh 2020). ادراک به نوعی محتوای اصلی رابطه انسان و فضا را شکل می‌دهد. انسان‌ها فضا را ایجاد می‌کنند، فضا نیز ناخواسته بر انسان تأثیر می‌گذارد. بین آن دو رابطه‌ای متقابل وجود دارد. رابطه‌ای که به تجربه و تفسیر محیط می‌انجامد و به تبادل و هم‌جوئی انسان و فضا منجر می‌شود. این در حالی است که فضا بتواند نیازهای انسان را در خود تأمین کند. بنابراین اگر تعاملی درست بین انسان و فضا شکل گیرد در این صورت این دو به صورت یک مجموعه واحد قابل شناسایی است (Pallasmaa 2014). یکی از عواملی که در دامنه ادراک انسان در فضا مؤثر است طبیعت و پدیده‌های طبیعی است که می‌تواند تعامل انسان و محیط را تسهیل سازد. در حوزه معماری در خصوص حضور طبیعت در فضا، تاکنون رویکردهای متفاوتی وجود داشته است، که هر یک به شیوه‌ای سعی بر ایجاد فضاهایی مطابق با نیازهای انسان دارند. پرداختن به این مسئله زمانی ضرورت می‌یابد که ارتباط با طبیعت به نیازی ذاتی در انسان اشاره دارد و معماری مبتنی بر طبیعت سعی دارد تا بنا را در گفتمانی با مجموعه خاصی از وابستگی‌های ذاتی انسان وارد سازد. از این‌رو مسئله اصلی در پژوهش حاضر، کشف نحوه ادراک انسان‌ها از حضور طبیعت در معماری است. نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر خانه‌های سنتی شهر تبریز در دوره قاجار است. رویکرد پژوهش نیز در این مسیر مفاهیم خود را از اندیشه اسلامی دریافت می‌کند.

۱. روش‌شناسی پژوهش

در نظریات رایج علمی ادراک مسیری از فهم مادیت محیط، معنای محیط تا عمل در محیط را به خود اختصاص داده است. این مسئله در اندیشه اسلامی افزون بر تمرکز بر حیطه مادی، مرتبه فرامادی وجود انسان را نیز مورد توجه

اسلامی و نحوه حضور طبیعت در خانه‌های سنتی ایران سعی بر تبیین مدلی فرضی دارد و سپس در گام بعدی، سعی بر آن است تا مدل حاصله در جهت حصول اهداف در بستری منتخب، سنجش و تدقیق شود.

برای سنجش مدل نظری حاصله از بخش نظری، در انتخاب روش برای افزایش اعتبار پژوهش از استراتژی مثلث‌سازی استفاده شده است. که بر اساس دو روش پیمایش کمی و تحلیل محتوای کیفی، است. ابتدا روش تحلیل محتوای کیفی انجام، سپس بر اساس نتایج به دست آمده پرسش‌نامه‌ای تبیین شده است. در روش پیمایش داده‌ها به کمک ابزار پرسش‌نامه بسته و به صورت حضوری جمع آوری شده‌اند و در روش تحلیل محتوای کیفی نیز ابزار مورد استفاده مصاحبه است، که به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه به روش مدلیابی معادله ساختاری و به کمک آزمون‌های تحلیل مسیر و تحلیل عامل تأییدی انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات مصاحبه نیز به روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد پنهان و عرفی انجام شده است. در نهایت، نتایج داده‌ها تحلیل، جمع‌بندی و ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در خصوص ادراک طبیعت در معماری و تبیین ادراک انسان بر پایه اندیشه اسلامی انجام شده است. در خصوص ادراک طبیعت در معماری پژوهش‌ها اغلب بر ترجیحات مردم از کالبد فضاهای طبیعی و اثرگذاری طبیعت در فعالیت‌ها و ادراک انسان‌ها اشاره دارد. در این زمینه، فرهی فریمانی و حقیقت‌بین (۲۰۱۶) در جهت تبیین نحوه ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت به این نتیجه دست یافتند که سه رویکرد قداست‌گرا، علم‌گرا و نشانه‌گرا اساس ساختار ادراکی انسان را از گذشته تا حال نسبت به طبیعت، شکل داده است. در پژوهشی دیگر داعی پور (۲۰۱۴) حضور طبیعت در خانه‌های سنتی را عاملی در جهت افزایش حس مکان در خانه‌ها می‌نامد. فیضی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با بررسی ادراکات مردم از

فرم پارک‌های شهری طبیعی - ارگانیک و منظم - هندسی دریافتند که الگوی شطرنجی و منظم در فضاهای شهری خوانایی و ادراک شفاف‌تری از فضا را در ذهن ناظر رقم می‌زند. در پژوهشی دیگر دانشگر مقدم و بحرینی و عینی‌فر (۲۰۱۱) با بررسی نقش ادراک طبیعت و عناصر طبیعی بر اجتماع‌پذیری محیط زندگی انسان، بر اهمیت عواملی از قبیل ارتباط مستقیم با طبیعت، ادراک رویدادهای طبیعی و چشم اندازهای طبیعی، مصالح طبیعی، تهویه طبیعی در موقعیت و کیفیت کانون فعالیت‌های جمعی تأکید کردند.

در زمینه ادراک بر پایه اندیشه اسلامی، نتایج غالب پژوهش‌ها بر اهمیت نقش قوای باطنی و قوای ظاهری و به تناسب آن اهمیت اعتباریات در کنار مفاهیم حقیقی، در فرایند ادراک تمرکز داشته‌اند. سرمدی و شاهچراغی و کریمی فرد (۲۰۲۰) با هدف ارتقاء کیفیت ادراکی منظر به این نتیجه دست یافتند که ادراکات عقلی بر پایه تجربه معنای محیط، در کنار ادراکات حسی بر پایه ارتباط فیزیولوژیک با محیط می‌تواند موجبات تقویت رابطه انسان با منظر ادراکی را فراهم سازد. در پژوهشی دیگر، تقدیر (۲۰۱۷) در خصوص عوامل تأثیرگذار بر خلق آثار معماری بر پایه مبانی حکمت متعالیه به این نتیجه دست یافته است که قوای باطنی انسان به عنوان خزانه‌ای از معنا و صورت از یک سو و مهارت‌های اکتسابی و ذاتی او از سوی دیگر نقش مهمی را در خلق آثار معماری ایفا می‌کنند. صابری کاخکی (۲۰۱۳) نیز برای دستیابی به عوامل تأثیرگذار در ادراک معماری، قوای باطنی را به عنوان قوام دهنده ادراکات حسی می‌شمارد که در فرایند ذخیره‌سازی، شناخت و قیاس داده‌ها بر پایه سوابق ذهنی و تجارب انسان تحقق می‌یابد. در پژوهشی دیگر طباطبایی لطفی و پیربابایی (۲۰۱۹) در جهت تبیین الگویی برای ادراک و تعامل در معماری، اهمیت تمثیل، استعاره و تخیل را به عنوان الگوهای ادراکی در انسان، در سه سطح حصولی، خلاق و حضوری، در مؤلفه‌های فرم و عملکرد و معنا در معماری را تبیین کردند. پیربابایی و قره‌بگلو و کی نژاد (۲۰۲۰) نیز در واکاوی تأثیر فرهنگ بر درک خلاقیت اثر معماری، اهمیت نقش احکام اعتباری برآمده از فرهنگ

منطبق بر نیازهای انسان در ظرف توهم او، در صورتی دیگر استعاره می‌شود و به تعامل انسان با جهان، جهت می‌بخشد به بیانی دیگر، توهم نوعی برداشت از حقیقت و "دادن حد چیزی به چیز دیگر" در حین بروز فعل است که تأثیرات واقعی خود را در عالم دارد (Hashemi 2008). بنابراین جهان واقعی نخست، زمینه ادراکات ما را فراهم می‌سازد و اعتباریات در وجهی میانجی به تأثیر متقابل در جهان می‌انجامد (Jafari Valani 2015). عملکرد قوا در ادراک اعتباری، منطبق بر دو قوه باطنی (دریافت درونی) و ظاهری (دریافت بیرونی) است. حواس باطنی به ادراک و حفاظت و تصرف داده‌های حواس ظاهری می‌پردازند. اولین مرحله این فرایند، ادراک حسی به مدد حواس پنجگانه است. صوری که توسط حواس پنجگانه دریافت می‌شود ابتدا وارد حس مشترک شده و در قوه خیال ذخیره می‌شود. بنابراین محیط محسوس توسط انسان به صورت شیء خارجی دریافت می‌شود. آنچه معنای محسوسات را در ذهن وارد می‌سازد، قوه دیگری به نام واهمه است که داده‌های خود را در حافظه ذخیره می‌کند. در واقع، صورت‌ها توسط خیال و معانی توسط حافظه برای ادراک و همی شفاف می‌شود. قوای واهمه مسلط بر نفس حیوانی است (Rezaee, Sadeghi Hasanabadi and Rostampour 2013) و می‌تواند به کمک غریزه، الهام، تشبیه و تجربه، معانی جزئی را از صورتی به صورت دیگر تعمیم دهد (Shameli and Haddad 2011). آنچه در این مرتبه ادراک و منجر به صدور حکمی می‌شود، جزئی و اعتباری است. مسئله اساسی دیگر در خصوص اعتباریات این است که نباید با آن‌ها برخوردی همچون امور حقیقی داشت. قوه واهمه نمی‌تواند از حدود خود خارج شود و احکام جزئی را در شکل حقیقی و کلی صادر کند. صدور و ادراک امر کلی در مرتبه نفس انسانی انجام می‌گیرد که بر دو مرتبه عقل نظری و عقل عملی دلالت دارد. ابن‌سینا معتقد است عقل نظری شأن دانستنی دارد و منجر به عمل نمی‌شود و باید از طریق عقل عملی و علم به امر جزئی به تحقق فعل نائل شود. عقل عملی در امور دنیوی به تصرف ادراکات

را در شکل‌گیری معماری تبیین کرده و بر ضرورت آن در فرایند تعامل انسان با معماری در تولید و بازتولید معنا و فرهنگ در جامعه تأکید کردند.

بر اساس مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر سعی دارد مسئله ادراک طبیعت در معماری را بر اساس مبانی ادراکی اندیشه اسلامی تبیین کند و بر پایه الگویی برآمده از اندیشه اسلامی، در خانه‌های سنتی زمان قاجار در شهر تبریز، چگونگی مراتب ادراکی انسان از طبیعت را، در فضایی واقعی بسنجد.

۳. ادراک انسان از محیط بر پایه اعتباریات

در اندیشه اسلامی مطابق نظرات غالب اندیشمندان، به موازات مراتب انسان، ادراک نیز مراتبی از حسی، خیالی، وهمی و عقلی را طی می‌کند. از آنجایی که در مرتبه نباتی ادراکی حاصل نمی‌شود (Poornamdarian, Shahdoost and Hajian Nejad 2019). در مرتبه حیوانی ادراکات جزئی، تحت قوای حسی، خیالی و وهمی و در مرتبه انسانی ادراکات کلی، توسط قوای عقلی تحقق می‌یابد (Razmgir and Intezam 2014). اساس تمامی ادراکات در انسان، از فهم حسی محیط آغاز می‌شود و به شناخت خود و ارتباط با محیط می‌انجامد. ماحصل این ارتباطات در مرتبه ادراکات جزئی، به تبیین مفروضاتی اعتباری در انسان منجر می‌شود که ضرورتی برای تعامل او با محیط است. ایجاد و اعتبار مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای متفاوت توسط انسان متناسب با محیط متغیر پیرامون، به نوعی عملکرد خاص انسان در مسیری تکاملی او محسوب می‌شود (Jafari Valani 2015). یکی از مباحث مهم در خصوص اعتباریات، انگیزی در جهت انجام فعل در محیط است. احساسات و اندیشه‌های درونی انسان پایه شکل‌گیری اعتباریات محسوب می‌شود که به اندازه شعور غریزی در صدور عمل مطلوب، مؤثر است (Ghaini and Hosseinzadeh 2013). میل و در مرتبه بالاتر اراده مبدأ شکل‌گیری اعتباریات است. در واقع اعتباریات، خلاقیت قوه خیال در درک مفاهیم و واقعیت‌های جهان است که

وهمی می‌پردازد، بدین‌صورت امور جزئی دریافتی توسط واهمه، از طرف عقل عملی نیز تصدیق می‌شود و می‌تواند به واسطه رابطه معرفتی با قوای عقلی ارتقاء یابد و در واقع از طریق مطابقت کلیات بر مصادیق، هست‌ها بر بایدها به عمل می‌پردازد (Hedayati and Shomali 2009). اگر ارتباط صحیحی بین محسوسات و معقولات برقرار نشود، منجر به بروز خطاهایی در حیطه ادراک و عمل می‌شود. خصوصاً در حیطه صناعت و هنر انسانی تأثیر عقل در امور اعتباری و وهمی بسیار حایز اهمیت است (Hedayati and SHomali 2009; Rezaee, Sadeghi Hasanabadi and Rostampour 2013). عمل در سایه اعتبار معنا می‌گیرد و به‌واسطه فهم علت و غایت حقیقی به واقع‌بینی منتهی می‌شود (Hashemi 2008). در نهایت، تصور و استدلال داده‌های ادراکی عقلی و وهمی توسط قوه متصرفه انجام می‌گیرد. در صورتی که قوه متصرفه در خدمت واهمه باشد، بدان متخیله و در صورتی که به اندیشه منور شود بدان مفکره می‌گویند. بدین‌صورت که متصرفه می‌تواند با تصرف صور و معانی، صور جدید را ایجاد کند و به عمل مبدل سازد (Poornamdarian, Shahdoost and Hajian 2019).

در کنار مراحل مذکور مهمترین مرحله در مسیر ادراک تا عمل، گذر داده‌های ادراکی از مرحله عواطف و دل انسان است، تا به کمک آمیزه‌ای از ادراکات و عواطف، جنبه انگیزشی عمل فراهم آید و ادراکات به گرایش‌ها مبدل شود. زیرا در کنار عقل‌ورزی، اگر ادراکات در عرصه عواطف انسانی قرار نگیرد، نمی‌تواند تأثیری مطلوب در عالم طبیعت داشته‌باشد (Hedayati and Shomali 2009). بنابراین انسان به کمک معقولات، جهان طبیعت، اعتبارات و عواطف خود دست به ادراک و عمل در محیط می‌زند.

اما مسئله اساسی در تمامی مراتب، این است که انسان در هر مرحله از ادراکات حسی، وهمی تا عقلی دچار مرتبه‌ای از ادراک و عمل است و افعال خود را بر اساس آگاهی‌های حاصله از آن مرتبه سامان می‌دهد و انتخاب می‌کند که دایره عمل خود را در هر کدام از قلمروهای گذرا و یا جاودانه عالم تسری دهد (Afshoon and Afsharkermani 2018).

آنچه مبدأ کنش انسان در محیط قرار می‌گیرد، می‌تواند حاصل میل، تحت ادراکات حسی، اراده؛ تحت ادراکات تخیلی و یا غایت، تحت ادراکات عقلی باشد. همچنین از آنجایی که عقل نظری بالقوه است آغاز مسیر شناخت و درک، باید از احساس و تجسم بگذرد تا قوای وهمی و عقلی بتواند مخدوم عقل نظری، حکم عملی را صادر کند. بنابراین عالمی که انسان با آن در تماس است نقش ویژه‌ای را در انتقال صور و معانی مطلوب و نامطلوب به انسان دارد (Elmi Sola and Barakati 2015). از طرفی اگر داده‌های جزئی حاصله از قوای متخیله به کمک تعقل تمییز داده نشود، می‌تواند دچار خطاهای ادراکی شود. کمال خیال لاجرم در تجسم محسنات است. بنابراین، اگر قوای متخیله دچار اعتدال نباشند نمی‌توانند با عقل تعامل مطلوبی داشته باشند (Surosh 2015).

بنابراین می‌توان گفت که کمال ادراکی در انسان از طریق احساس، تجسم، تعقل و عاطفه، بر وجه ادراک و استنباط و انگیزش به عمل در محیط منجر می‌شود که بر پایه تجربه و عادت، تحت تأثیر محیط و عناصر محیطی و سطوح آگاهی انسان، تحقق می‌یابد (تصویر ۱).

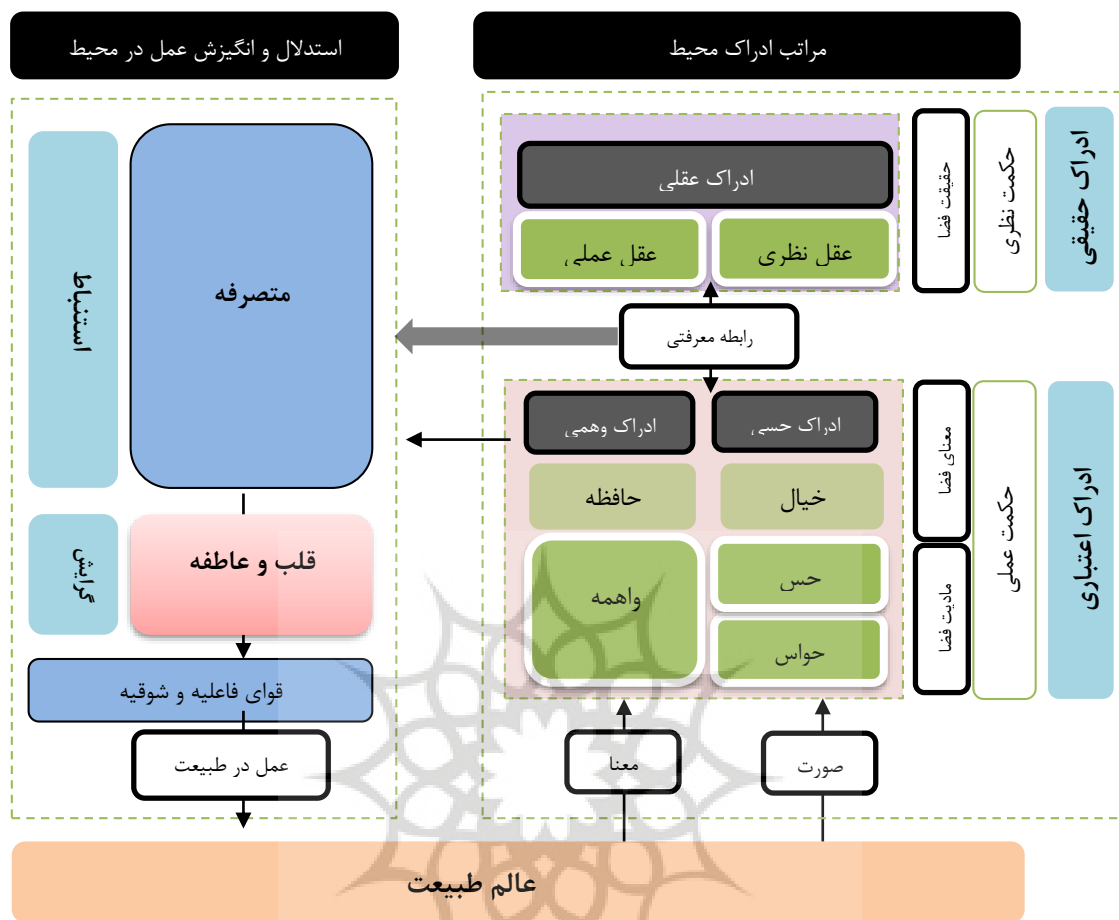
۴. طبیعت در خانه‌های ایران

تکامل انسان در جهان بیشتر در تماس با محیط طبیعی شکل می‌گیرد. محیط‌های مصنوع باید شرایط تماس مداوم انسان با طبیعت را فراهم سازند. پالاسما (Juhani Pallasmaa) به نقل از اشمیت (Schmied) معتقد است معماری به عنوان مکان و پسوندی از طبیعت می‌تواند با ایجاد فرصت‌های مناسب واکنش‌های ادراکی انسان را نسبت به محیط برانگیزد (Schmied: 2016:590).

مطالعه پیرامون خانه‌های سنتی ایران نشان از حضور طبیعت به‌شکل‌های مختلف در معماری داشته‌است که در سازمان فضایی و نیارشی بنا به وضوح مشهود است و همواره محیط مصنوع در راستای سازش و ارتقاء شرایط سرزمین خود شکل گرفته‌است. این درآمیختگی با طبیعت گاه با حضور بی‌واسطه پدیده‌های طبیعی در خانه همراه بوده و

یافته‌است. در یک توصیف اجمالی نحوه حضور طبیعت در معماری خانه‌ها را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد.

گاه به واسطه سمبل‌ها، نشانه‌ها، فرایندها و ساختارهای طبیعت در بنا و گاه با تأکید بر طبیعت فضا در بنا ظهور



تصویر ۱: مراتب ادراک و انگیزش انسان از محیط بر پایه اندیشه اسلامی.

Fig. 1: Levels of human perception and motivation of the environment based on Islamic thought

می‌سازد (Nadimi , Mondegari and Mohammadi 2014). بدین ترتیب تعامل جدیدی با چرخه طبیعی شکل می‌گیرد که طبیعت را در یک اکوسیستم کامل گیاه و حیوانات در خانه مستقر می‌سازد و فضایی مملو از کیفیات طبیعی را خلق می‌کند (Nava'i and Hajighasemi 2012). حضور سمبل‌ها، نشانه‌ها، فرایندها و ساختارهای طبیعی در معماری: در کنار ارتباط مستقیم با طبیعت، معماری ایران همواره با کاوش در پدیده‌های طبیعی، اصول و رفتار طبیعت را در معماری منعکس کرده‌است. در این رویکرد، طبیعت کاتالیزور معماری محسوب می‌شود و معماری با آموختن از طبیعت در واقع به گسترش طبیعت و اصول آن در بنا می‌پردازد. بهره‌گیری از هندسه و قوانین طبیعی از

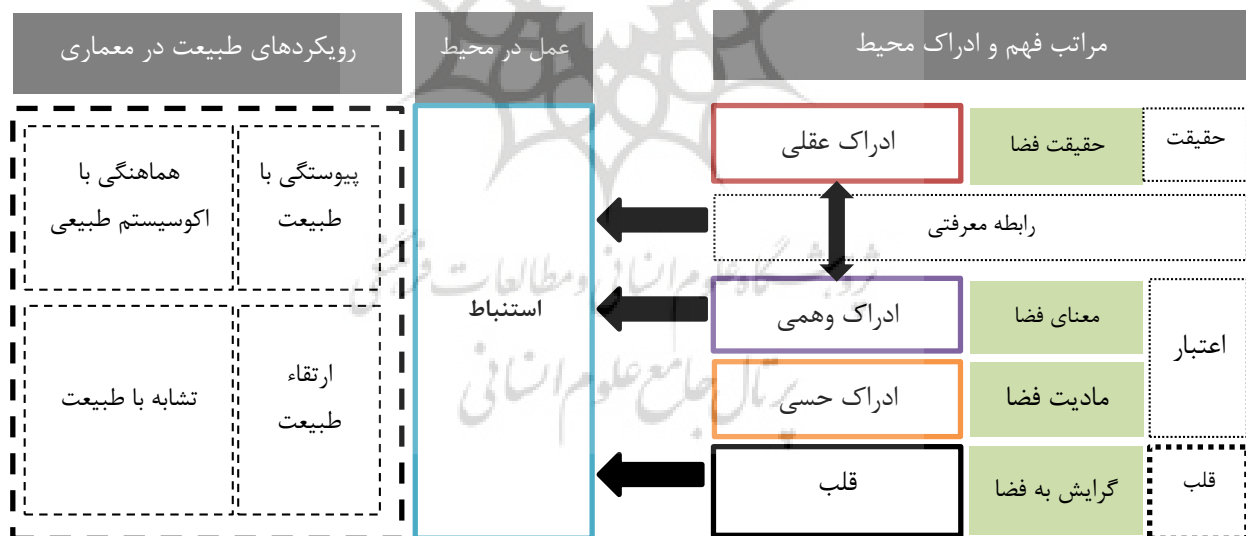
حضور بی‌واسطه پدیده‌های طبیعی در معماری: در گام نخست این مسئله در خانه‌های ایرانی با تمرکز بر شیوه، مکان و جهت استقرار با توجه به ویژگی‌های طبیعی بستن جغرافیایی از جمله نور، باد، سایه، گرما، آب و خاک میسر می‌شود، که تمایل به هماهنگی با اکوسیستم طبیعی منطقه را دارد. سازمان فضایی خانه نیز، با گرایش به درون، انرژی‌های مابین بنا و محیط را سازماندهی می‌کند و با هماهنگی با اکوسیستم طبیعی به سامانه‌ای سازگار با محیط مبدل می‌شود (Haeri 1988). چنین مرکزگرایی در خانه‌های بومی پیوستگی تنگاتنگی را بین طبیعت و انسان ایجاد می‌کند و به نوعی غوطه‌وری در طبیعت منجر می‌شود و الگوهای زندگی را بیشتر از محیط مصنوع بر الگوهای طبیعی استوار

هماهنگی با اکوسیستم طبیعی، پیوستگی با طبیعت، تشابه با طبیعت و ارتقاء طبیعت قابل پیگیری است. برپایه مباحث برآمده از مبانی نظری پژوهش نیز به دست آمد که فرایند ارتباط با محیط در اندیشه اسلامی با تمرکز بر سه مبحث ادراک، استنباط و انگیزش در انسان معنا می‌گیرد. در این پژوهش سعی بر آن است که با واکاوی مادیت فضا، معنای فضا و نهایتاً استنباط حاصله از تجربه محیط به تبیین نقش طبیعت در فضا پرداخته شود. مسئله حائز اهمیت این است که استنباط حاصله از ادراک و تجربه محیط، پایه‌های ادراکی خود را از کدام مبدأ دریافت می‌کند؟ مبدأ عقلی و یا وهمی؟ و اعتباریات و حقایق در ادراک طبیعت از خلال رویکردها چگونه عمل می‌کنند و نهایتاً انگیزش و گرایش به عمل در این فرایند به چه صورت بروز می‌یابد؟ بنابراین برای تبیین فهم انسان از طبیعت، در مواجهه با رویکردهای مذکور در معماری خانه‌ها، در فرایند ادراک تا واکنش به محیط، مدل عملیاتی بر اساس تصویر شماره (۲) شکل گرفته است.

قبیل تقارن، تعادل، توازن، ریتم، حرکت، بافت در ساختار و تزئینات خانه همه نوعی تلفیق خرد انسان و خصوصیات پدیده‌های طبیعی است که در معماری خانه‌ها انتقال یافته و به تشابه با طبیعت پرداخته است (Makinejad 2014).

طبیعت فضا در معماری: معماری خانه‌های ایرانی را می‌توان حاصل تصمیمات انسانی و تأثیرات طبیعت در گذر زمان دانست. که حول اصول دانشی و بینشی، با گزینش شیوه‌های خاص با انعکاس نظم، سادگی، روشنی و در عین حال زیبایی رمزآلود و تمثیلی به تغییر و ارتقاء طبیعت در جهت نیازهای انسانی پرداخته و بستر طبیعی را توانمند ساخته است و با آبادانی، تکریم و کمال‌بخشی به بستر از طریق پتانسیل‌های معماری، کمال فضا را به نمایش گذاشته است و با رویکرد ارتقاء طبیعت رابطه‌ای محسوس و دوطرفه را بین انسان و طبیعت در جهت اهداف غایی انسان ایجاد کرده است (Haeri 1988).

بر اساس مباحث مطرح شده مشخص شد که چهار شکل از حضور طبیعت در معماری سنتی ایران بر اساس عناوین



تصویر ۱: مدل عملیاتی تحقیق

Fig. 2: Operational research model

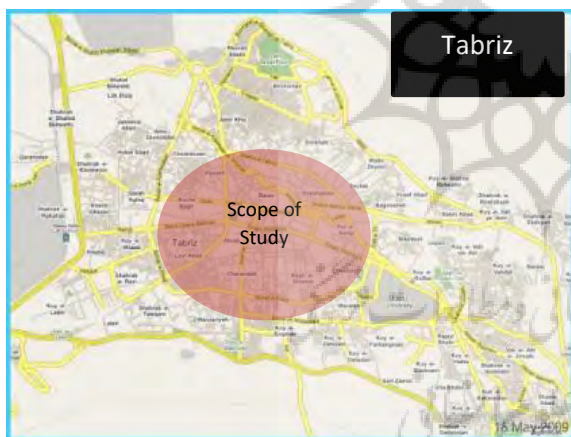
در معماری خانه‌ها حضور یافته است. خانه‌ها در دوره قاجار و از شهر تبریز انتخاب شده‌اند. علت انتخاب بازه زمانی قاجار، دسترسی به ساکنان از لحاظ سنی است. تعدد بناهای منسوب به این دوره نیز در شهر تبریز در ایران مشهود

۵. نمونه مورد مطالعه

در پژوهش حاضر، عملکرد خانه به عنوان بستر مطالعه انتخاب شده است. مطالعات پیرامون خانه‌های سنتی ایرانی نیز نشان‌دهنده این است که طبیعت در رویکردهای متنوعی

اند. در برخی موارد به دلایل تغییر خانه‌ها و از طرفی عدم اعتماد افراد انتخابی به پژوهشگر امکان دسترسی به خانه‌ها وجود نداشت که در این موارد برای پی بردن به صحت قدمت خانه‌های انتخابی، سئوالاتی از آن‌ها در ارتباط با فضاهای مختلف خانه‌هایشان پرسیده شد و همچنین با تکیه بر بیانات افراد مبتنی بر قدمت تاریخی خانه‌هایشان و نقشه های ذهنی ترسیم شده، قدمت محله‌های انتخابی و سن افراد از صحت تجربه زیسته آن‌ها اطمینان حاصل شد. مردان و زنان، هر دو گروه جنسی انتخاب شده در این مطالعه بوده اند.

حجم نمونه در پرسش‌نامه توسط روش های آماری مشخص شده است. بر اساس پیش‌آزمون انجام شده برای ۳۰ نمونه‌موردی و در نتیجه واریانس نتایج، ۲۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه آماری مشخص شد. در مصاحبه نیز معیار بر اساس روش اشباع حجم نمونه ۴۰ نفر بوده است.



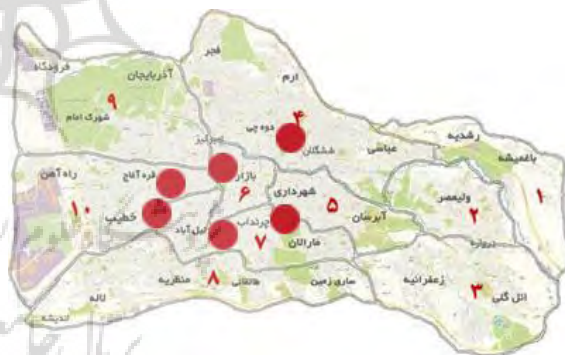
تصویر ۲: جامعه آماری مناطق انتخاب شده

Fig. 3: Statistical population of selected area

است. مبدل شدن تبریز به دارالسلطنه در دوران قاجار دلیل کثرت مجموعه خانه‌های بازمانده از آن دوران است (تصویر شماره ۳). همچنین در پژوهش‌های متعددی به این موضوع اشاره شده که در شهر تبریز معماری در دوره قاجار همچنان به اصول سنتی ایران پایبند بوده است (Mehmani, Nakhaei and Javid Nejad 2021).

۶. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری همگی از ساکنان محله‌های قدیمی از قبیل محله‌های شتربان، سرخاب، قره‌آغاج، طالقانی، مارالان، کوچه باغ، ششگلان، چرنداب، چست دوزان، مقصودیه، صدر، منجم، نوبر انتخاب شدند (تصویر ۳). روش نمونه‌گیری از نوع گلوله‌برفی بوده است. البته انتخاب اولین نمونه به صورت هدفدار انجام گرفت تا نمونه‌های معرفی شده دیگر اعتبار یابند. بازه سنی افراد انتخابی بین ۲۰-۸۵ سال بوده است که تجربه زیسته بالای ۶ سال را در خانه‌ها داشته



مصاحبه‌ها نیز بر اساس ۴ سؤال محوری مرتبط با هر رویکرد انجام شده است. در حیطه هماهنگی با اکوسیستم طبیعی در ارتباط با عوامل آسایش محیطی، در حیطه تشابه با طبیعت در ارتباط با فرم‌ها و تزئینات طبیعی، ساختارها و قوانین طبیعی همچون سلسله‌مراتب، محوربندی‌ها، تقارن، ریتم، هندسه، تناسبات، ارتفاع، طول و عرض فضاها، در

۷. پایایی و روایی پژوهش

برای سنجش الگوی تحقیق (تصویر ۲) پرسش‌نامه ای حاوی ۳۴ پرسش طراحی شد. ۹ سؤال در زمینه هماهنگی با اکوسیستم طبیعی، ۸ سؤال در ارتباط با تشابهات طبیعی، ۹ سؤال در ارتباط با پیوستگی با طبیعت و ۸ سؤال در ارتباط با رویکرد ارتقاء طبیعت، مطرح شده است.

حیطه پیوستگی با طبیعت در ارتباط با ادغام فضایی و بصری با طبیعت و در حیطه رویکرد ارتقاء طبیعت در ارتباط با نقش نیازها و روحیات انسان در طراحی خانه و تأثیر آن در بستر طبیعی. پایایی و روایی تحقیق نیز به شرح زیر است:

پرسش‌نامه: در پرسش‌نامه نظر به کیفی بودن متغیرها، سئوالات با استفاده از طیف سنجش پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است. روایی پرسش‌نامه توسط متخصصان تأیید شده و پایایی پرسش‌نامه نیز به شرح زیر تأیید شده است. نرم‌افزار مورد استفاده برای محاسبه «الگوسازی معادله ساختاری» در این پژوهش نرم‌افزار EQS Ver 6.1 است که ترکیبی از تحلیل مسیر، الگوسازی علی با متغیرهای پنهان و رگرسیون‌های چندگانه را مورد استفاده قرار می‌دهد. برای ارزیابی با نرم‌افزار ابتدا آماده‌سازی داده‌ها به کمک برنامه اس.پی.اس.اس (نگارش ۲۲) صورت گرفته و سپس تدوین، تشخیص، برآورد، آزمون، اصلاح و اعتبارسنجی نهایی الگوهای نظری به وسیله EQS انجام یافته است. بعد از غربالگری همه شاخص‌های مدل تا حدودی بهبود یافتند که نتایج در جدول شماره (۱) آمده است. الگویی از برازش مناسب برخوردار است که نسبت مجذور خی آن به درجه آزادی کمتر از سه باشد، مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد کمتر از ۰/۰۸ و مقدار نیکویی برازش و نیکویی اصلاح شده بیش‌تر از ۶۰ درصد باشد. در این مطالعه، با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های ارزیابی، الگوهای اندازه‌گیری از برازش قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۱: نتایج آزمون روایی تحلیل عاملی بعد از غربالگری
Table1. Factor analysis validity test results

GFI = 0.817	نیکویی برازش
AGFI = 0.783	نیکویی برازش اصلاح شده
CFI = 0.820	نیکویی برازش تطبیقی
RMSEA = 0.04	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
Chi ² /df /df = 1.61	مجذور خی بر درجه آزادی
۰/۷۳	آلفای کرونباخ

مصاحبه: برای رسیدن به پایایی قابل قبول در تحلیل محتوای مصاحبه سعی شده است ابتدا در زمان نمونه‌گیری برای انتخاب نمونه‌های معتبر، اولین نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شود. در مرحله مصاحبه نیز بعد از اشباع اطلاعاتی در نفر بیستم، برای اطمینان بیشتر مصاحبه تا نفر چهارم ادامه یافت. در زمان مکتوب کردن داده‌ها نیز برای حصول اطمینان بیشتر متن داده‌های مصاحبه از طرف مصاحبه‌شوندگان تأیید شد. در نهایت، در مرحله تحلیل محتوای متن از نظارت اساتید راهنما و مشاور بهره‌گیری شده است و بخش عمده‌ای از متن مصاحبه‌های انجام شده، به همراه کدگذاری‌ها در اختیار اساتید محترم قرار گرفته است، تا به تأیید نهایی برسد.

۸. گزارش یافته‌های پژوهش

۸-۱. یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه:

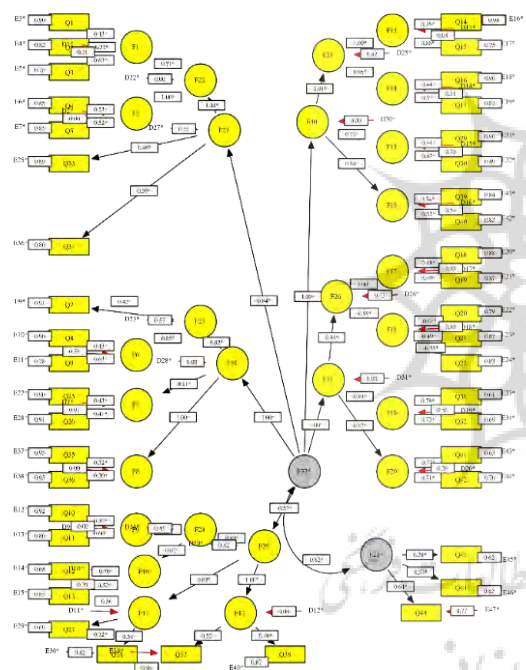
الگوی منتج از پرسش‌نامه به روش تحلیل عاملی تأییدی براساس تصویر شماره (۴) است. نتایج در جدول شماره (۲) ارائه شده است. مطابق داده‌های جدول شماره (۲) فاکتورهای پیوستگی با طبیعت، تشابه با طبیعت و ارتقاء طبیعت بیشترین تعیین‌کنندگی را در ادراک طبیعت دارا بودند که این عدد در هر سه رویکرد معادل ۱,۰۰ است. بار عاملی فاکتور پیوستگی با طبیعت در سنجه ادراک مادی ۰,۹۰، در سنجه ادراک معنایی ۰,۸۳ و در سنجه استنباط ۰,۹۷ است که از برازش خوبی برخوردار است و نشان می‌دهد که در هر سه ادراک مادی، معنایی و استنباط تعیین‌کنندگی بالایی در ادراک طبیعت نسبت به رویکردهای دیگر دارد. سپس رویکرد تشابه با طبیعت با بارعاملی در سنجه ادراک مادی ۱,۰۰، در سنجه ادراک معنایی ۰,۷۲ و در سنجه استنباط ۰,۸۳ است که از تعیین‌کنندگی بالایی در ادراک طبیعت در خانه‌ها برخوردار است. در رویکرد ارتقاء طبیعت بار عاملی در سنجه ادراک مادی ۰,۸۲، سنجه ادراک معنایی ۰,۴۱ و در سنجه ادراک استنباط ۱,۰۰ است که از برازش خوبی برخوردار است و نشان می‌دهد که ابتدا ادراک استنباط و سپس ادراک مادی بیشترین تعیین‌کنندگی

داشته‌است. در جهت کنکاش در داده‌ها، ابتدا بر اساس مباحث ذکر شده در نقل قول‌ها و مضامین حاصله در بستر رویکردهای مذکور مقوله-بندی و کدگذاری اولیه انجام شده‌است. در گام بعدی با مطالعه دوباره متن و کدگذاری ثانویه، معانی پنهان و اولویت‌ها آشکار شده‌است و نتایج نهایی در قالب رویکرد، عامل ایجادکننده، مضامین و پیام های پنهان در بستر رویکردها در جدول شماره (۳) تبیین شده‌است.

را دارند و ادراک معنایی در این رویکرد از تعیین-کنندگی کمتری برخوردار است. فاکتور هماهنگی با اکوسیستم طبیعی نیز با بار عاملی ۰,۸۲ از تعیین-کنندگی بالایی در ادراک طبیعت برخوردار است. در این رویکرد بار عاملی در سنجه ادراک مادی ۱,۰۰ و سنجه ادراک معنایی ۰,۴۵ و در سنجه ادراک استنباط ۰,۵۹ است که نشان می‌دهد در این رویکرد ادراک مادی بیشترین تعیین-کنندگی را در ادراک طبیعت دارد و ادراک استنباط و سپس معنایی از تعیین-کنندگی کمتری در ادراک طبیعت برخوردار هستند.

۸-۲. یافته‌های حاصل از مصاحبه

در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها کشف نحوه ادراک انسان‌ها از نقش طبیعت در خانه‌ها پیام‌هایی را به همراه



تصویر ۳: نتایج تحلیل عامل تأییدی
Fig. 4: Factor analysis results

جدول ۲: نتایج تحلیل عامل تأییدی داده‌های پرسش‌نامه

Table 2: Results of the factor analysis of the questionnaire

بار عاملی	سنجه	بار عاملی	رویکرد
۱,۰۰	ادراک ماده	۰,۸۲	هماهنگی با اکوسیستم طبیعی
۰,۴۵	ادراک معنا		
۰,۵۹	استنباط		
۰,۸۲	ادراک ماده	۱,۰۰	ارتقاء طبیعت
۰,۴۱	ادراک معنا		
۱,۰۰	استنباط	۱,۰۰	تشابه با طبیعت
۱,۰۰	ادراک ماده		
۰,۷۲	ادراک معنا		
۰,۸۴	استنباط	۱,۰۰	پیوستگی با طبیعت
۰,۹۰	ادراک ماده		
۰,۸۳	ادراک معنا		
۰,۹۷	استنباط		

جدول ۳: نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها

Table 3. Content analysis results of interviews

رویکرد	مضامین	عامل ایجاد کننده	پیام پنهان (گرایش به عمل)
محافظة از طبیعت	توانایی تأمین آسایش نسبی	هماهنگی با محیط در ریختار فضایی خانه	محافظة از طبیعت
	خودکفایی	بهره‌گیری از مصالح بومی با ساختاری آشنا برای ساکنان	
	شکل‌گیری بستری خلوت	غلبه صداها طبیعی به صداها مزاحم	

هماهنگی با اکوسیستم طبیعی	الگوی مناسب چیدمان فضاها	مرکزگرایی و تراکم برای دستیابی به تعدیل هوایی	ارزش‌گذاری بر طبیعت
	دانش ساخت	تناسبات صحیح و برقراری آسایش دمایی نسبی	
	جلوگیری از اسراف	استفاده بهینه و صرفه‌جویی در بهره‌گیری عناصر طبیعت در خانه	
تشابه با طبیعت	دانش طراحی و ساخت	بهره‌گیری از تناسبات و قوانین و ساختارهای طبیعی	تأثیر بر طبیعت
	تناسب کالبد با نیاز انسان	بهره‌گیری از فرم‌های طبیعی انسان‌وارانه	
پیوستگی با طبیعت	تناسب کالبد با نیاز انسان	ارزشمندی فضای باز در خانه	تأثیر بر طبیعت
	دانش طراحی و ساخت	ابعاد انتخابی مناسب برای حیاط و بازشوها	
	چیدمان و الگوی مناسب فضایی	عدم اشرافیت و اهمیت فضاهای نیمه باز در خانه	
	تنوع عناصر طبیعی	وجود درخت و آب و حیوانات و گل‌ها و .. در حیاط	
	قابلیت‌های فضا در ابعاد مختلف	انجام کارهای مختلف در حیاط خانه و در تمامی فصول	
	زیبندگی بودن و کارایی داشتن	انتخاب گزینشی پدیده‌های طبیعی در خانه	
	دوری از اسراف	مراقبت از طبیعت	
ارتقاء طبیعت	توجه به کارایی در نوع و عملکرد و میزان	مواجهه انسان با طبیعت بر اساس نیازهایش	تأثیر بر طبیعت
	استفاده حداکثری از فضا	تنوع در کاربرد فضا	
	تناسب کالبد با نیاز انسان	اهمیت زندگی انسان‌ها در بسترخانه	
	تناسب کالبد با نیاز انسان	توجه به ایجاد فضاهای امن	
	تناسب کالبد با نیاز انسان	مطابقت خانه با عقاید انسان‌ها	

۹. بحث در خصوص یافته‌ها

به کمک تحلیل هم‌زمان داده‌های حاصله از پرسش‌نامه و مصاحبه‌ها در خصوص رویکردها، یافته‌های زیر به‌دست آمده است.

رویکرد هماهنگی با اکوسیستم طبیعی: بالا بودن بار عاملی در ادراک مادیت فضا در یافته‌های کمی نشان می‌دهد که سطح قابل قبولی از آسایش در خانه‌ها به‌واسطه هماهنگی با اکوسیستم طبیعی، زمینه را برای ادراک مادیت مؤلفه‌های طبیعی مؤثر در این ارتباط فراهم ساخته است. اما عدم کفایت این رویکرد در ایجاد آسایش دمایی، خصوصاً در فصول سرما و اعلام نیاز به سیستم مکانیکی کارآمد در خانه‌ها از طرف تمامی ساکنان نقش طبیعت را در ایجاد آسایش از مجرای این رویکرد تا حدودی تضعیف کرده است و در یافته‌های کمی نتوانسته معنای مطلوبی از طبیعت را در ذهن ساکنان تجسم دهد. نتایج از نظر ساکنان در یافته‌های کیفی نیز بر این نکته تأکید داشته که حضور تأسیسات مکانیکی در خانه‌های جدید آسایش دمایی بهتری را نسبت به هماهنگی با طبیعت ایجاد کرده است. از طرفی مکان‌یابی

برخی عملکردها همچون سرویس بهداشتی و آشپزخانه در حیاط نیز نیاز به آسایش دمایی را دو چندان ساخته است. در نهایت، داده‌های حاصله از صورت و معنا در خصوص هماهنگی با ویژگی‌های جغرافیایی منطقه نتوانسته شناختی حقیقی از طبیعت را در ذهن ساکنان رقم زند و منجر به اختلالات ادراکی در خصوص طبیعت شده و استنباط حقیقی از طبیعت از طریق رویکردهای دیگر در فضا شکل یافته، که در یافته‌های کیفی به مدد رویکردهای دیگر در فضا‌گرایی بر محافظت از طبیعت را به دنبال داشته است. بنابراین صرف اعتبار و خلق فضایی هماهنگ با اکوسیستم طبیعت نمی‌تواند استنباط مطلوبی از معنای طبیعت را در انسان منعکس سازد، به بیانی دیگر محیط نمی‌تواند داده‌های کافی و مطلوب را در جهت اهداف ادراکی انسان فراهم کند (تصویر ۵).

رویکرد تشابه با طبیعت: بالا بودن بار عاملی در یافته‌های کمی در ارتباط با رویکرد تشابه با طبیعت در خانه‌ها نشان می‌دهد که در هر سه حوزه ادراکی مادی، معنایی و استنباط حضور طبیعت مطلوب بوده است و نقش مهمی را در

تسهیل حس، تجسم، استنباط و فعل انسان‌ها در فضای خانه داشته‌است. نتایج یافته‌های کیفی نیز حاکی از آن است که حضور الگوهای طبیعی در مقیاس کل و جزء در بنا، در قالب تزئینات، هندسه و ساختار فضایی برای ساکنان مطلوب بوده‌است. این مسئله با اطلاق ویژگی زنده و فرم آشنا به بنا و یکدستی درون و بیرون بیان شده‌است. به طوری که طبیعت ظهور یافته در وجوه کالبدی بنا در قالب ادراک مادی در کالبد فضا کاملاً مشهود بوده و ساکنان بر پایه اعتباریات ذهنی خویش به فهم وجه استعاری طبیعت در فضا ناآشنا شده‌اند. سپس مواجهه با فضایی حاصله از ویژگی‌های طبیعت در قالب ادراک معنایی مطلوب، به گرایش‌های تفسیری و ارزشی انسان در محیط منتهی شده است (تصویر ۵).

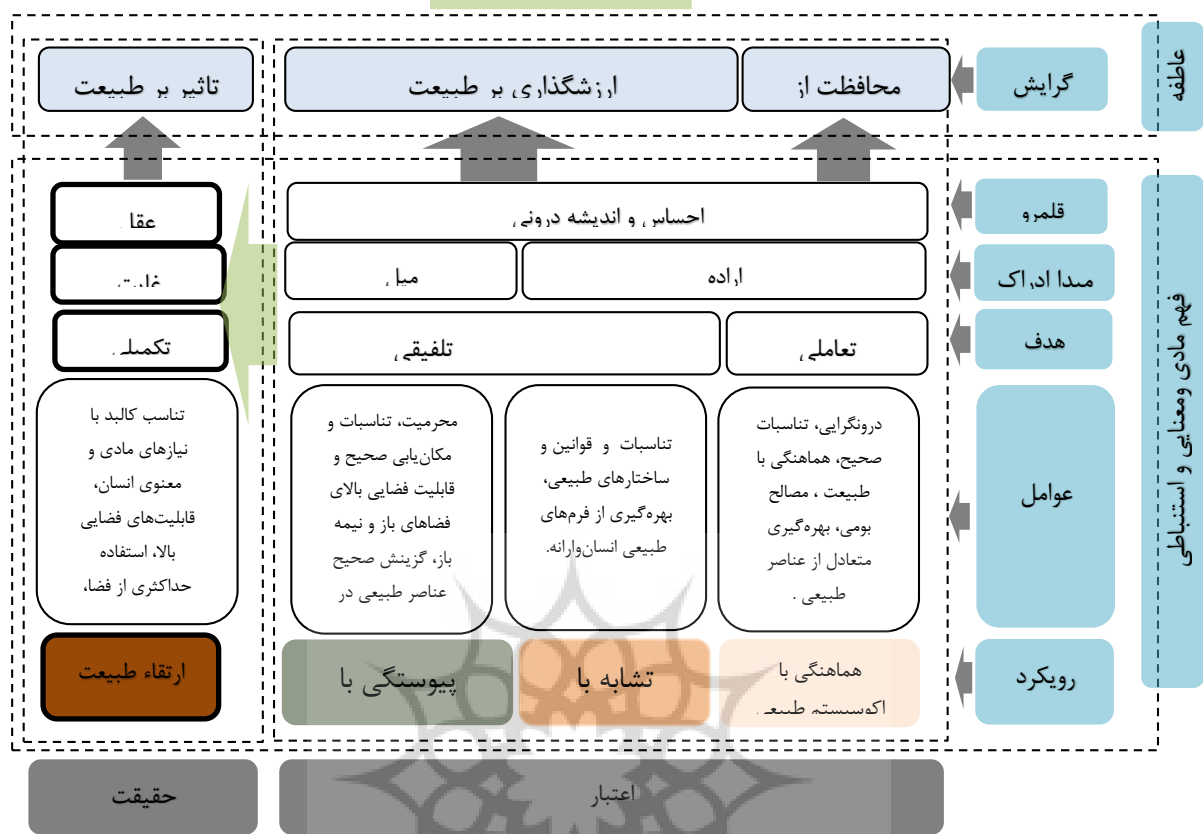
رویکرد پیوستگی با طبیعت: بر اساس نتایج کمی می‌توان بیان داشت که پیوستگی و ارتباط مستقیم با طبیعت در یک ساختار مرکزی در خانه‌های تبریز بیشترین مطلوبیت را در ادراک طبیعت در هر سه حوزه ادراکی داشته‌است که در یافته‌های کیفی نیز بدان تأکید شده‌است و نظرات ساکنان خصوصاً در ارتباط با حضور طبیعت در یک چرخه کاملی از گیاهان، حیوانات و دیگر پدیده‌های طبیعی در حیات تأثیر بسزایی را در این مقبولیت داشته‌است. از طرفی تأکید بر فضاهای میانه نیز اهمیت پیوستگی با طبیعت را در خانه‌ها دو چندان ساخته‌است. در نهایت، از خلال نظرات ساکنان این گونه دریافت شد که پیوستگی با طبیعت عاملی برای درک و تقویت رویکردهای دیگر در محیط نیز محسوب می‌شود و با تقویت مؤلفه‌های ادراکی فضا توسط طبیعت، توانسته مطابق با میل و اراده انسان، معماری با غنای طبیعی بالا را اعتبار و خلق کند و با فهم مادیت و معنای طبیعت و استنباط مطلوب از طبیعت از سوی انسان در یافته‌های کیفی نیز، گرایش‌های ارزش‌گذاری بر طبیعت را در سطح بالایی منجر شده‌است (تصویر ۵).

رویکرد ارتقاء طبیعت: یافته‌های کمی نشان‌دهنده نقش مهم این رویکرد در هماهنگی ساختار فضایی خانه با نیازهای جسمی و روحی ساکنان است. اما پایین بودن بارعاملی در ادراک معنایی در این رویکرد در نتیجه سئوالات مطرح شده در حیطه آسایش دمایی بوده‌است که در بخش هماهنگی با اکوسیستم طبیعی تبیین شد که نشان‌دهنده نقش مهم دما در تعیین کنندگی رضایت ساکنان از فضای خانه است که در رویکرد ارتقاء بستر نیز از سوی ساکنان بدان اشاره شده است. نتایج یافته‌های کیفی نیز نشان می‌دهد، که این رویکرد از مجرای تجربه زیسته در خانه‌ها ادراک و اعمال شده‌است. به طوری که ابتدا در مرحله ساخت در خانه‌ها با ایجاد فضایی با انعطاف و قابلیت‌های بالا لحاظ شده و از مجرای گذشت زمان و تجربه زیسته و تأثیرات فضا و طبیعت خانه‌ها بر انسان‌ها، توسط ساکنان نیز بر حسب نیازهایشان در محیط خانه اعمال شده‌است. این مسئله در یافته‌های کیفی با اشاره به تغییرات در طبیعت خانه بر حسب نیاز، نگهداری حیوانات در خانه‌ها و عدم تعرض به طبیعت خانه تبیین شده‌است که نشان‌دهنده تأثیر کالبد فضا بر ساکنان و تسهیل رفتار متقابل ساکنان در فضا بوده‌است. همچنین در یافته‌های کیفی، ساکنان در درجه اول بر مطلوبیت نظم در فرم خانه و حیات و گیاهان برای ایجاد حس امنیت و خوانایی در فضا تأکید داشتند. تأکید بر مطابقت فضاها بر نیازهای ساکنان نیز از مباحث مطرح شده در خصوص این رویکرد است. بنابراین در یافته‌های کیفی و کمی ساکنان مادیت و معنای طبیعت را دریافتند و استنباط مطلوبی را در ارتباط با طبیعت بروز دادند. همچنین در رویکرد ارتقاء طبیعت، ساکنان با تبیین مطابقت فضا با اعتقادات ساکنان، به تصدیق ارتباط این رویکرد با نیازهای حقیقی انسان در زندگی پرداختند که در عنوان پسوند معرفتی بر سایر رویکردها سایه افکنده‌است. در یافته‌های کیفی نیز به گرایش به عمل و تأثیر مطلوب و تکمیلی بر طبیعت از مجرای رویکرد ارتقاء طبیعت تأکید شده‌است (تصویر ۵).



تصویر ۴: یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه و مصاحبه در خصوص ادراک رویکردهای طبیعت در معماری خانه‌های تبریز در زمان قاجار
 Fig.5: Findings from the questionnaire and interview on the perception of nature approaches in the architecture of Tabriz houses during the Qajar period

ادراک کامل معنای طبیعت



تصویر ۵: نتایج ادراک طبیعت در خانه‌های سنتی قاجار در شهر تبریز
 Fig.6: Results of nature perception in traditional Qajar houses in Tabriz

نتیجه‌گیری

قلمروهایی جاودانه، ادراکات اولیه با ادراکی بالاتر و عقلی منطبق بر حقیقت عالم قوام می‌یابد و تکامل ادراکی انسان را منجر می‌شود.

در یافته‌ها روشن شد که ادراک طبیعت در معماری از منظر رویکردها بر اساس عوامل و جهت‌گیری‌های زیر برقرار شده‌است:

در رویکرد هماهنگی با اکوسیستم طبیعی با جهت‌گیری تعاملی با طبیعت، به کمک درون‌گرایی، تناسبات صحیح، هماهنگی با طبیعت، مصالح بومی، بهره‌گیری متعادل از عناصر طبیعی.

در رویکرد پیوستگی با طبیعت با جهت‌گیری تلفیقی با

آنچه در این پژوهش انجام شده‌است، آکاوی ادراک انسان-ها از نقش طبیعت در فضای زندگی آن‌ها است. این مسئله از طریق سنجش تفکیکی رویکردهای طبیعت در معماری خانه‌های سنتی قاجار در شهر تبریز از منظر ادراک ساکنان انجام یافته‌است. انسان به دلیل ضرورت ارتباط با محیط در جهت رفع نیازهای خود دست به اعتبار و خلق برخی مفاهیم، روش‌ها و ابزارها می‌زند که از ظرف توهم او برخاسته و مبدأ بروز خود را از میل و اراده انسان دریافت می‌کند و در گرو ادراک حسی و وهمی محیط، در قلمرو مادی به وقوع فعل منجر می‌شود. اما در مرتبه‌ای بالاتر در پس نیازهای معرفتی انسان و تمایل به تسری عمل در

طبیعت، به کمک محرمیت، تناسبات و مکان‌یابی صحیح و قابلیت فضایی بالای فضاهای باز و نیمه‌باز، گزینش صحیح عناصر طبیعی در تمامیت خود.

در رویکرد تشابه با طبیعت با جهت‌گیری تلفیقی با طبیعت، به کمک بهره‌گیری از تناسبات و قوانین و ساختارهای طبیعی، بهره‌گیری از فرم‌های طبیعی انسان‌وارانه.

در رویکرد ارتقاء طبیعت با جهت‌گیری تکمیلی با طبیعت، به کمک تناسب کالبد با نیازهای مادی و معنوی انسان، قابلیت‌های فضایی بالا، استفاده حداکثری از فضا، اهمیت-بخشی به موضوع زندگی انسان در بستر خانه.

بر این اساس در تلفیق با مبانی ادراک در اندیشه اسلامی نتایج حاکی از آن است که رویکردهای تعاملی و تلفیقی در قالب احکام اعتباری، در معماری فضا منعکس شده‌است.

این مسئله در ساکنان خانه‌ها بر پایه میل و اراده به ارتباط با طبیعت، که در اثر تجربه نفس بر سود و زیان مقارن با مادیت و معنای طبیعت و پدیده‌های طبیعی شکل گرفته-

است، در مرتبه ادراک وهمی و اعتباری، به تعامل و تلفیقی فعال با طبیعت انجامیده‌است. در این مرحله، پیوستگی مستقیم با طبیعت و سپس تشبه به طبیعت نقش مهمی را در ادراک مادی، معنایی و نهایتاً استنباط مطلوبی از طبیعت در انسان‌ها ایفا می‌کند. اما آنچه مبدأ ادراک انسان را در فضا از میل و اراده به غایت تعقل سوق می‌دهد، اضافه کردن مفاهیم کلی به رویکردهای برآمده از اعتباریات در جهت ارتقاء و تکمیل طبیعت برای خلق فضایی مطلوب نیازهای کمالی انسان است که قوام رویکردهای طبیعت در معماری را در دایره عقل و ملاحظات انسانی نتیجه می‌دهد. حضور در چنین فضایی توانسته کمال ادراکی انسان را از معنای حقیقی طبیعت وام گیرد و در برخورد فهم و عاطفه انگیزشی از ارزش‌گذاری تا تأثیر بر طبیعت بر مدار محافظت از آن در ساکن ایجاد کند و در گذر زمان به تولید و بازتولید بستر کمالی انسان بیانجامد (تصویر ۶).

منابع نهایی

- اسماعیلی، محمدعلی. ۱۳۹۳. پژوهشی در ادراکات اعتباری در علم کلام. حکمت اسلامی ۲۱(۲): ۶۹-۹۷.
- اصلانیان، یاشار، حسین ذبیحی و کمال رهبری منش. ۱۳۹۹. ساختارشناسی مفهوم رضایت‌مندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی، خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان). هنر اسلامی ۱۶(۳۷): ۲۸-۴۸.
- افشون، غلامرضا و عزیزالله افشار کرمانی. ۱۳۹۷. تأثیر عقل نظری بر عقل عملی در صدور رفتارهای اخلاقی از منظر ملاصدرا. پژوهش‌های معرفت‌شناختی ۷(۱۵): ۷-۲۴.
- بنی اسدی، رضا. ۱۳۹۵. نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و تأثیرات آن در فلسفه و اخلاق. پژوهش‌های معرفت‌شناختی ۵(۱۲): ۴۹-۶۶.
- پورنامداریان، تقی، شهرزاد شهردوست و علیرضا حاجیان نژاد. ۱۳۹۷. درک گام به گام فرایند ادراک در مکاشفه، پژوهش‌های ادب عرفانی ۱۲(۴): ۱۲۷-۱۵۴.
- پیربابایی، حمزه، مینو قره بگلو و محمد علی کی نژاد. ۱۳۹۹. تبیین ساز و کار تأثیر فرهنگ بر درک خلاقیت اثر معماری با نظریات اعتباری، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۲(۵): ۱۰۷-۱۲۳.
- تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۵(۱): ۴۸-۶۷.
- جعفری ولنی، علی اصغر. ۱۳۹۴. استاد مطهری و ادراکات اعتباری علامه طباطبایی(ره). اندیشه علامه طباطبایی ۲(۲): ۷۳-۹۸.
- حایری، محمد رضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی، شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- داعی پور، زینب. ۱۳۹۳. رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر ۱۱(۳۰): ۴۹-۵۸.

- دانشگر مقدم، گلرخ، سیدحسین بحرینی و علیرضا عینی فر. ۱۳۹۰. تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۳(۴۵): ۲۷-۳۸.
- رزمگیر، میثم و سید محمد انتظام. ۱۳۹۲. قوه خیال و ادراک خیالی از دیدگاه ابن سینا و سهروردی. معرفت فلسفی ۱۱(۲): ۲۷-۴۸.
- رضایی، مهرا، مجید صادقی حسن آبادی و احمد رستم پور. ۱۳۹۲. تحلیل جایگاه خیال و وهم در گستره ادراکات و افعال انسان از منظر صدرالمآلهین. دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت صدرایی ۱(۲): ۶۳-۷۶.
- سرمدی، صدف، آزاده شاهچراغی و لیلا کریمی فرد. ۱۳۹۹. فرآیند ادراک منظر بر پایه ادراکات حسی و عقلی. باغ نظر ۱۷(۸۸): ۲۷-۳۸.
- سروش، جمال. ۱۳۹۴. نقش عقل عملی در کمال انسان. حکمت اسلامی ۱(۲): ۶۵-۸۶.
- شاملی، نصرالله و وحیده حداد. ۱۳۹۰. قوه واهمه و نسبت آن با سایر قوای نفس با تاکید بر آراء ابن سینا. فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت ۹(۲۹): ۱۹-۴۱.
- صابری کاخکی، سیاوش. ۱۳۹۲. ربط کیفیات تالیفی در ادراک معماری اسلامی ایران. شهر ایرانی اسلامی ۱۳: ۷۳-۸۰.
- طباطبایی لطفی، زکیه السادات و محمد تقی پیربابایی. ۱۳۹۶. الگوهای ادراک و تعامل در معماری اسلامی با الهام از آراء عبدالقاهر جرجانی در بلاغت. الهیات هنر ۱۱: ۱۳۱-۱۵۸.
- علمی سولا، محمد کاظم و اکرم برکاتی. ۱۳۹۴. تخیل در اندیشه ریکور و ملاصدرا. حکمت معاصر ۶(۱): ۶۷-۹۴.
- فرهی فریمانی، مریم و مهدی حقیقت بین. ۱۳۹۵. واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت (مطالعه موردی، بررسی تولیدات علمی در رشته معماری منظر و حوزه هنر و معماری). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۶(۲۴): ۳۳-۴۲.
- فیضی، محسن، فرهنگ مظفر، مهراوه رعیتی دماوندی و مریم عظیمی. ۱۳۹۳. مقایسه ترجیح و ادراک مردم از پارک‌های شهری طبیعی - ارگانیک و منظم - هندسی (نمونه موردی پارک لاله و پارک دانشجو). فصلنامه مطالعات شهری ۴(۱۳): ۵-۱۶.
- گائینی، ابوالفضل و امیر حسین زاده. ۱۳۹۱. رابطه اعتباریات و فناوری‌های نرم (بر اساس رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی)، روش - شناسی علوم انسانی ۱۸(۷۳): ۱۵۱-۱۳۷.
- لنگ، جان. ۱۳۸۳. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در محیط، ت: عینی فر، علیرضا، انتشارات دانشگاه تهران.
- مردیها، اعظم و مرتضی حسینی شاهرودی. ۱۳۹۶. جایگاه هستی‌شناختی و نفس‌شناختی خیال در حکمت متعالیه. حکمت معاصر ۸(۳): ۱۱۱-۱۲۹.
- مکی نژاد، مهدی. ۱۳۹۳. مرکزگرایی، تقارن و تکرار در هنرهای سنتی ایران. فصل نامه شیمیای هنر ۱۰(۳): ۹۹-۱۰۸.
- مهمانی، رقیه، جلال نخعی و مهرداد جاویدنژاد. ۱۳۹۹. مطالعه ی تطبیقی معماری پایدار خانه‌های سنتی و مدرن شهر تبریز از منظر تعاملات اجتماعی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی ۱۳(۱): ۵۱۰-۵۳۳.
- ندیمی، ضحی، کاظم مندگاری و علی محمدی. ۱۳۹۳. اطوار مرکز، تحلیلی بر مفهوم مرکز در معماری، مطالعات معماری ایران، معماری ایران ۳(۵): ۱۱۵-۱۲۹.
- نصری، عبدالله. ۱۳۸۹. تحلیل عقل نظری و عقل عملی از دیدگاه استاد حائری، فلسفه دین ۷(۷): ۸۳-۹۹.
- نوابی، کامبیز و کامبیز حاجی قاسمی. ۱۳۹۰. خشت و خیال: شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
- هاشمی، حمیدرضا. ۱۳۸۷. نظریه ادراکات اعتباری و نتایج علمی و علمی آن. پژوهش‌های فلسفی ۲(۲۰۵): ۱۲۵-۱۵۶.
- هدایتی، محمد و محمدعلی شمالی. ۱۳۸۸. جستاری در عقل نظری و عقل عملی، معرفت فلسفی ۶(۳): ۲۱۳-۲۶۲.

منابع انگلیسی

- Afshoon, G., and Afsharkermani, A. 2018. Impact of pure reason on practical reason in issuing the moral behavior in Mulla Sadra's perspective, The Epistemological temolojical research 7(15): 7-24. [In Persian]
- Aslanian, Y., Zabihi, H., and Rahbarimanesh, K. 2020. Structuralism of the Concept of Housing Satisfaction with the Approach of Phenomenological Philosophy; (Case study, Qajar House of Shaykh al-Islam and Several Residential Complexes in Zanjan). Islamic Art 16(37): 28-46. [In Persian]
- Bani asadi, R. 2016. The impact of Allameh Tabatabai's derivative perceptions theory on philosophy and ethics. The Epistemological temolojical research 5(12): 49-66. [In Persian]

- Daeipour, Z. 2014. 'The relationship between the presence of nature and the increase in the sense of belonging in the Iranian traditional houses', *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar* 11(30): 49-58 [In Persian].
- Daneshgarmoghaddam, G., Bahrainy, H., Einifar, A. 2011. An Investigation on sociability of the spaces based on perception of nature in the built environment, *HONar - ha - ye - ziba Memari - va - shahrsazi* 3(45): 27-38 [In Persian].
- Elmi Sola, M., and Barakati, S. 2015. Ricoeur and Mulla Sadra on Imagination. *Contemporary Wisdom, Hekmat e Mo'aser (Contemporary Wisdom)* 6(1): 67-94. [In Persian]
- Faizi, M., Mozaffar, F., Rayati, M., Azimi, M. 2015. 'The comparison of public perception and preference between regular-geometrical and natural-organic urban parks (Case study: Laleh park and Daneshjoo park)', *Motaleate Shahri* 4(13):5-16 [In Persian].
- Farrahi Farimani, M., and Haghghatbin, M. 2016. Analysis the Perception of the Iranian in the face of Nature, *Journal of Studies on Iranian - Islamic City* 6(24): 33-42 [In Persian].
- Ghaini, A, and Hosseinzadeh, A. 2013. The Relation between Imaginary Mental Matters and Soft Technologies. *Methodology of Social Sciences and Humanities* 18(73): 137-150. [In Persian]
- Haeri, Mohammad Reza. 1988. House in culture nature of Iran. Tehran: Center for Research and Development of Urban Planning and Architecture of the Ministry of Housing and Urban Development. [In Persian]
- Hashemi, H. 2008. The Theory of Conventional Conceptions and its Theoretical and practical Effects. *Journal of Philosophical Investigations* 2(205): 125-156. [In Persian]
- Hedayati, M., and Shomali, M. 2009. An Inquiry into theory and practical reason. *Marifat- -i- falsafi* 6(3 (23): 213-262. [In Persian]
- Ismaeli, M.2014. An Inquiry into Arbitrary Perceptions in Theology. *Journal of Hikmat-e-Islami* 1(2): 69-97. [In Persian]
- Jafari Valani, A. 2015. Allāme Tabātabā'i's Mental Understandings According to Mutahhari. *Andisheh Allameh* 2(2): 73-98. [In Persian]
- Lang J.2011. *Creating architectural theory: the role of the behavioral sciences in environmental design*, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Makinejad, M.2014. Entralism, Symmetry, and Repetition in Persian Traditional Arts. *Kimiya-ye-Honar* 3(10):99-108. [In Persian]
- Mardiha, A., and Hosseini Shahroudi, S. 2018. The Ontological Place of Imaginal Perception and Its Relation to Self-Knowledge according to the Transcendental Philosophy of Sadr al-Dīn Shīrāzī. *Contemporary Wisdom* 8(3): 111-129. [In Persian]
- Mehmani, R., Nakhaei, J., and Javid Nejad, M. 2021. Comparative study of sustainable architecture of traditional and modern houses in Tabriz City from the perspective of social interactions. *Quarterly of New Attitudes in Human Geography* 13(1):509-533. [In Persian]
- Nadimi, Z., Mondegar, K., and Mohammadi, A.2014. Modes of Center, Analysis of a Semantic Hierarchy of Center. *Iranian Architecture Studies* 3 (5):115-129. [In Persian]
- Nasri, A.2010. Analyzing of Theoretical and Practical Reason from the Professor Haeri's Point of View. *Philosophy of Religion* 7(7): 83-99. [In Persian]
- Nava'i, K., and Hajighasemi, K. 2012. *Khesht-o Khial; an Interpretation of Iranian Islamic Architecture*. "Sharhe Me'mariye Eslami-y Iran. Tehran: Shahid Beheshti University Publication. [In Persian]
- Pallasmaa, J. (2014). Space, place and atmosphere. Emotion and peripheral perception in architectural experience. *Lebenswelt* 4:230-245.
- Pirbabaei, H., and Gharehbaglou, M., and KayNejad, M, A.2020. Explaining the Mechanism of the Effect of Culture on Understanding the Creativity of the Architectural Work with the Theory of E'tebariat. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism* 5 (2) :107-123. [In Persian]
- Poornamdarian, T., and Shahdoost, S., and hajian nejad, A. 2019. Understanding the Step by Step Process of Perception in Revelation. *Researches on mystical literature (gowhar-i-guya)* 12(4): 127-154. [In Persian]
- Razmgir, M., and Intezam, S. 2014. The imagination faculty and imaginative perception in Ibn sina and Suhrawardi. *Marifat -i falsafi* 11(2 (42)) 27-48. [In Persian]
- Rezaee, M., and Sadeghi Hasanabadi, M., and Rostampour, A. 2013. The Analysis of the Place of Imagination and Fancy in the Domain of Human Perceptions and Actions According to Mulla Sadra. *Sadrai wisdom* 1(2): 63-76. [In Persian]
- Saberi Kakhaki, S.2013. The Relevance of the Produced Qualities in the Perception of Iranian-Islamic Architecture. *Studies on Iranian Islamic city* (13): 73-80. [In Persian]
- Sarmadi, S., and Shahcheraghi, A., and Karimifard, L. 2020. Perceiving Landscape Process Based on Sensory and Intellectual Perceptions. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*. 17(88): 27-38. [In Persian]
- Schmied, E.O. 2016. From Nature to Space: Architecture through Perception. *International Journal of Arts & Sciences* 9(2): 589-598.
- Shameli, N., and Haddad, V. 2011. The power of fear and its relation with other powers of the soul with emphasis on the views of Ibn Sina. *Mirror of Wisdom* 11(4):41-19. [In Persian]
- Surosh, J. 2015. The Role of Practical Intellect in Man's Perfection. *Journal of Hikmat-e-Islami* 1 (2) pp. 65-86. [In Persian]
- Tabatabaei, Z., and Pirbabaei, M. 2019. Patterns of Perception and Interaction in Architecture in the Light of Abd al-Qāhir al-Jurjānī's Views on Rhetoric. *Theology of Art* 11: 131-160. [In Persian]
- Thaghdir, S. 2017. Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural works based On Transcendent Wisdom. *Iran University of Science & Technology* 5 (1):48-67 [In Persian].